

کتاب دانیال — شماره هفتاد و نه

افشای شورش ۱۸۸۸: درس‌هایی از نسل دوم ادونتیسیم لائودیکیه‌ای

Jeff Pippenger

2024-02-12

د لائودیکیه‌ای ادونتیزم دوه‌م نسل په ۱۸۸۸ کال کې راورسېد، او هغه نسل په حزقیال اتم فصل کې په رمزي ډول د دوهمې کرکې په توګه استازیتوب شوی دی، چې د «ده د خیالي انځورونو خونو» له خوا څرګندېږي.

پس من داخل شدم و دیدم؛ و اینک هر گونه صورتِ زندگان، و حیواناتِ مکروه، و همهٔ بت‌های خاندان اسرائیل، بر دیوار، گرداگرد، نقشِ شده بود. و پیش روی آنها هفتاد مرد از مشایخِ خاندان اسرائیل ایستاده بودند، و در میان ایشان یعزریا پسرِ شافان ایستاده بود، و هر مرد مجمرهٔ خود را در دست داشت؛ و ابر غلیظی از بخور بالا می‌رفت. آنگاه او به من گفت: ای پسر انسان، آیا آنچه را که مشایخِ خاندان اسرائیل در تاریکی می‌کنند دیده‌ای، هر مرد در حجره‌های صورت‌های خیالی خود؟ زیرا می‌گویند: خداوند ما را نمی‌بیند؛ خداوند زمین را ترک کرده است. حزقیال ۸:۱۰-۱۲

تصویر کے حجرے اُن لوگوں کے دلوں میں پوشیدہ شیرانہ رازوں کی نمائندگی کرتے ہیں جنہیں قدیم مردوں کے طور پر ظاہر کیا گیا ہے، اور انہوں نے اُسی شیرانہ بدی کو نہ صرف اپنے اذہان کے حجروں میں، بلکہ خدا کے مقدس کے حجروں میں بھی داخل کر دیا ہے۔

نان کسی را که چشم بد دارد مخور، و خوراک‌های لذیذ او را آرزو مکن؛ زیرا چنان‌که در دل خویش می‌اندیشد، همان است: به تو می‌گوید: «بخور و بنوش»؛ اما دلش با تو نیست. امثال 23:6، 7

شرارتِ حجره‌های تصاویر، هم بر دیوارهای هیکل نوشته شده است و هم بر دیوارهای اذہانِ مردانِ کهن. حجره‌های نهانی تصاویر در دومین رجاستِ باب هشتم حزقیال، نمایانگر نسل دوم ادونتیسیم لائودیکیه‌ای است؛ و از میان آن چهار رجاست، رجاستِ دوم زمانِ بیشتری را به تأکید بر عصیانِ جمعی اختصاص می‌دهد، هرچند هر چهار رجاستِ چنین به تصویر کشیده شده‌اند که به وسیلهٔ مردانی به‌جا آورده می‌شوند که می‌بایست پاسبانان قوم می‌بودند.

«نشانِ رهایی بر آنانی نهاده شده است که "برای همهٔ رجاساتی که در میان آن به عمل می‌آید، آه می‌کشند و فریاد برمی‌آورند." اکنون فرشتهٔ مرگ به پیش می‌رود؛ همان‌گونه که در رؤیای حزقیال به وسیلهٔ مردانی با سلاح‌های گشوده نمایش داده شده است، و به آنان این فرمان داده می‌شود: "پیر و جوان را، دختران و کودکانِ خردسال و زنان را، بالکل بکشید؛ اما به هیچ‌کس که نشان بر اوست نزدیک مشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید." نبی می‌گوید: "پس از مردانِ پیر که پیش روی خانه بودند آغاز کردند." حزقیال ۹:۱-۶. کارِ هلاکت از میان کسانی آغاز می‌شود که مدعی بوده‌اند پاسبانان روحانی قوم باشند. دیده‌بانانِ دروغین نخستین کسانی‌اند که فرو می‌افتند. کسی نیست که بر آنان ترحم کند یا ایشان را برهاند. مردان و زنان و دوشیزگان و کودکانِ خردسال، همگی با هم هلاک می‌شوند.» نبرد عظیم، ۶۵۶.

بغاوت که نشانهٔ ظهور نسل دوم است، به‌طور مشخص با رهبری ادونتیسیم لائودیکیه‌ای مرتبط است، چنان‌که در جلسهٔ کنفرانس عمومی سال 1888 در مینیاپولیس به انجام رسید. این امر با تعبیر «مشایخِ خانهٔ اسرائیل» و نیز با «هفتاد مرد» بازنمایی شده است. این هفتاد پیر بودند که با کار موسی مرتبط بودند، و گروه دوم شاگردانِ عیسی از هفتاد مرد تشکیل می‌شد. «هفتاد» نمایندهٔ رهبری است، همان‌گونه که «مشایخ» نیز چنین‌اند. دومین مکروه بر رهبری تأکیدی افزون‌تر می‌نهد، و بدین‌سان

تأکید را بر این می‌گذارد که این مکروه با یک بغاوت جمعی رهبری مرتبط است.

در میان هفتاد مرد کهن، «یازنیا پسر شافان» ایستاده بود. نام «یازنیا» به معنای «شنیده خدا» است، و او نمایانگر رهبری‌ای است که درست در همان زمانی که خدا سخن می‌گفت، عصیان ورزید؛ زیرا خدا را شنیده بود، اما از گوش سپردن سر باز زد، چون اظهار می‌داشت که خدا قوم خود را ترک کرده است، و اینکه خدا آنچه را در حجره‌های پنهانی روی می‌دهد نمی‌بیند. یازنیا «پسر شافان» بود، و نام «شافان» به معنای «پنهان کردن» است. صحنه نسل دوم نمایانگر طغیان رهبری‌ای است که درست در همان هنگام که خدا سخن می‌گفت عصیان ورزید، و آنان بر این باور بودند که خدا اعمال ایشان را نه می‌بیند و نه به آن اعتنا دارد.

خواهر وایت ثبت کرده است که به او گفتگوهای رهبری ادونتیسیم لائودیکیه‌ای در جریان کنفرانس عمومی ۱۸۸۸ نشان داده شد. در کنفرانس عمومی ۱۸۸۸، خدا جلسات رهبران را که در میان خود، آنگاه که می‌پنداشتند خدا شنوا نیست، برگزار می‌کردند، به خواهر وایت نشان داد. آنجا در خلوت اتاق‌هایشان، بر ضد خواهر وایت، پسر او، و الشیخ جونز و واگنر بدگویی کردند. آنان بر این باور بودند که می‌توانند آزادانه سخن بگویند، زیرا خدا نمی‌توانست ایشان را در خلوتگاه‌های خصوصی‌شان ببیند؛ اما خدا همین گفتگوها را به آن نبیه نشان داد. آنان در یک اجتماع جمعی حضور داشتند، و بنا بر الهام، پیام باران آخر را می‌شنیدند، اما از شنیدن آن امتناع ورزیدند.

چه چیزی رهبری‌ای را پدید آورده بود که در سال ۱۸۸۸ چنان عصیان آشکاری از خود بروز داد که خواهر وایت آن را با شورش قورح، داتان و ابیرام مقایسه کرد؟

«هنگامی که به وسیله روح القدس منور شوید، تمامی آن شرارت مینیاپولیس را آن‌گونه که هست، چنان‌که خدا بدان می‌نگرد، خواهید دید. اگر دیگر هرگز شما را در این جهان نبینم، یقین بدانید که اندوه و پریشانی و بار جان را که بی‌هیچ سبب بر من وارد آورده‌اید، بر شما می‌بخشم. اما به خاطر جان شما، و به خاطر او که برای شما جان سپرد، می‌خواهم خطاهای خود را ببینید و به آنها اعتراف کنید. شما با کسانی که در برابر روح خدا ایستادگی کردند، هم‌پیمان شدید. تمامی شواهدی را که نیاز داشتید در اختیار داشتید که خداوند از طریق برادران جونز و واگنر عمل می‌کرد؛ اما نور را نپذیرفتید؛ و پس از احساساتی که در خود پروراندید، و سخنانی که بر ضد حقیقت بر زبان آوردید، آماده نبودید اعتراف کنید که خطا کرده‌اید، که این مردان پیامی از جانب خدا داشتند، و شما هم پیام و هم پیام‌آوران را خوار شمرده بودید.»

«هرگز پیش از این در میان قوم خود چنین خودخشنودی استوار و چنین بی‌میلی به پذیرفتن و به رسمیت شناختن نور، آن‌گونه که در مینیاپولیس ظاهر شد، ندیده بودم. به من نشان داده شد که هیچ‌یک از آن گروهی که روح ظاهر شده در آن جلسه را در دل پروراندند، دیگر نور روشنی برای تشخیص گران‌بهای حقیقتی که از آسمان برای ایشان فرستاده شده بود، نخواهند داشت، مگر آنکه غرور خود را فروتن سازند و اعتراف کنند که محرک آنان روح خدا نبود، بلکه ذهن‌ها و دل‌هایشان از تعصب آکنده بود. خداوند می‌خواست به ایشان نزدیک شود، ایشان را برکت دهد و از ارتدادهایشان شفا بخشد، اما ایشان گوش فرا ندادند. آنان به همان روحی تحریک می‌شدند که قورح، داتان و ابیرام را به حرکت درآورد. آن مردان اسرائیل مصمم بودند در برابر هر دلیلی که خطای ایشان را ثابت می‌کرد مقاومت کنند، و در مسیر ناخشنودی و سرکشی خود همچنان پیش رفتند تا آنکه بسیاری از راه به در شدند و با آنان متحد گشتند.»

«اینها چه کسانی بودند؟ نه ضعیفان، نه نادانان، نه ناآگاهان. در آن شورش، دویست و پنجاه رئیس نامدار در جماعت، مردان صاحب‌نام، حضور داشتند. شهادت آنان چه بود؟ «تمام جماعت مقدس‌اند، هر یک از ایشان، و خداوند در میان ایشان است؛ پس چرا خویشتن را بر جماعت خداوند برمی‌افرازید؟» [اعداد 3:16]. هنگامی که قورح و همراهانش زیر دآوری خدا هلاک شدند، مردمی

که آنان فریب داده بودند، دست خداوند را در این معجزه ندیدند. تمامی جماعت در صبح روز بعد موسی و هارون را متهم ساختند که «شما قوم خداوند را کشته‌اید» [آیه 41]، و وبا بر جماعت نازل شد، و بیش از چهارده هزار تن هلاک شدند.»

«چون قصد کردم مینیاپولیس را ترک کنم، فرشته خداوند در کنارم ایستاد و گفت: «نه چنین؛ زیرا خدا برای تو کاری دارد که در این مکان انجام دهی. این قوم همان شورش قورح و داتان و ابیرام را از سر می‌گذرانند. من تو را در جایگاه درستت قرار داده‌ام، جایگاهی که آنان که در نور نیستند آن را تصدیق نخواهند کرد؛ به شهادت تو اعتنا نخواهند نمود؛ اما من با تو خواهم بود؛ فیض و قدرت من تو را نگاه خواهد داشت. این تو نیستی که خوار می‌شمارند، بلکه رسولان و پیامی را که برای قوم خود می‌فرستم. ایشان نسبت به کلام خداوند بی‌حرمتی روا داشته‌اند. شیطان چشمان ایشان را کور کرده و داوری‌شان را منحرف ساخته است؛ و اگر هر جان از این گناه خود، از این استقلال تقدیس‌ناشده که به روح خدا اهانت می‌کند، توبه نکند، در تاریکی گام خواهند زد. چراغدان را از جای خود برخواهم گرفت، مگر آنکه توبه کنند و بازگشت نمایند تا ایشان را شفا دهم. بینایی روحانی خود را تیره ساخته‌اند. نخواسته‌اند که خدا روح و قدرت خود را ظاهر سازد؛ زیرا در برابر کلام من روح تمسخر و انزجار دارند. سبک‌سری، بیهودگی، شوخی و مزاح، هر روزه در میان‌شان معمول است. دل‌های خود را بر طلب من نهاده‌اند. در شراره‌های افروخته خویش راه می‌روند، و اگر توبه نکنند، در اندوه خواهند خفت. خداوند چنین می‌گوید: بر موضع وظیفه خود بایست؛ زیرا من با تو هستم، و تو را ترک نخواهم گفت و رها نخواهم کرد.» این سخنان را که از جانب خدا بود، جرأت نکردم نادیده بگیرم.

Բերթ Զրիքում փայլում էր յստակ, պայծառ ճառագայթներով. բայց դարձներ:,, Միևեապոլիսի ժողովում դեր ունեցածներից ո՞վ եկաւ դէպի լոյսը եւ ընդունեց ճշմարտութեան այն հարուստ գանձերը, որոնք Տէրն ուղարկեց Նրանց երկնքից: Ո՞վքեր ընթացան քայլ առ քայլ Առաջնորդի՝ Յիսուս Քրիստոսի հետ: Ո՞վքեր ամբողջական խոստովանութիւն արեցին իրենց սխալ եռանդի, իրենց կուրուքեան, իրենց նախանձների եւ չար կասկածների, ճշմարտութեանը իրենց դիմադրութեան մասին: Ոչ մէկը. եւ քանի որ Նրանք երկար ժամանակ անտեսեցին լոյսը ընդունելու եւ այն ճանաչելու պարտականութիւնը, այն Նրանց շատ յետ թողեց. Նրանք չաճեցին շնորհի եւ մեր Տէր Քրիստոս Յիսուսի ճանաչողութեան մէջ: Նրանք չկարողացան ընդունել այն անհրաժեշտ շնորհը, որ կարող էին ունենալ, եւ որը Նրանց կրօնական փորձառութեան մէջ զօրաւոր մարդիկ պիտի դարձներ:,,

موقفی که در مینیاپولیس اتخاذ شد، ظاهراً مانعی غیرقابل عبور بود که تا حد زیادی آنان را در میان شک‌کنندگان، پرسشگران، و ردکنندگان حقیقت و قدرت خدا محصور ساخت. هنگامی که بحرانی دیگر فرا رسد، آنان که تا این اندازه و این همه مدت در برابر دلیل بر روی دلیل مقاومت کرده‌اند، بار دیگر در همان نکاتی که به‌وضوح در آنها شکست خوردند آزموده خواهند شد، و برایشان دشوار خواهد بود که آنچه از جانب خداست بپذیرند و آنچه از قدرت‌های ظلمت است رد کنند. از این‌رو، تنها راه ایمن آنان آن است که در فروتنی گام بردارند و راه‌های پای خود را راست سازند، مبادا لنگ از راه منحرف گردد. اینکه با چه کسانی هم‌صحبت و هم‌نشین می‌شویم، سراسر تعیین‌کننده است: خواه با مردانی که با خدا راه می‌روند و به او ایمان دارند و بر او توکل می‌کنند، یا با مردانی که از حکمت پنداری خود پیروی می‌کنند و در شراره‌های افروخته خویش گام می‌زنند.

«زمان، توجه و رنجی که برای خنثی کردن نفوذ کسانی لازم بوده است که بر ضد حقیقت کار کرده‌اند، خسارتی هولناک بوده است؛ زیرا می‌توانستیم از نظر معرفت روحانی سال‌ها پیش‌تر

باشیم؛ و اگر کسانی که می‌بایست در نور سلوک می‌کردند، برای شناختن خداوند پیش می‌رفتند، تا بدانند که طلوع او همچون صبح مهیا است، نفوس بسیار، بسیار زیادی ممکن بود به کلیسا افزوده شوند. اما هنگامی که باید این همه زحمت درست در خود کلیسا صرف شود تا نفوذ کارگرانی که همچون دیواری از گرانیت در برابر حقیقتی که خدا برای قوم خود می‌فرستد ایستاده‌اند، خنثی گردد، جهان در تاریکی نسبی واگذاشته می‌شود.»

«خدا مقصود داشت که دیدبانان برخیزند و با صداهایی متحد، پیامی قاطع اعلام کنند و به شیپور آوایی معین بخشد، تا همه قوم به جایگاه وظیفه خویش بشتابند و سهم خود را در آن کار عظیم به انجام رسانند. آنگاه نور نیرومند و روشن آن فرشته دیگر که از آسمان با قدرتی عظیم فرود می‌آید، زمین را از جلال خود پر می‌ساخت. ما سال‌ها به تأخیر افتاده‌ایم؛ و آنان که در کوری ایستادند و پیشرفت همان پیامی را که خدا قصد داشت از اجتماع مینیاپولیس چون چراغی افروخته به پیش رود، مانع شدند، نیاز دارند که دل‌های خود را در حضور خدا فروتن سازند و ببینند و دریابند که کار چگونه به سبب کوری ذهن و سختی دل ایشان بازداشته شده است.»
Manuscript Releases, volume 14, 107-111

چه چیزی رهبری‌ای را پدید آورده بود که در سال ۱۸۸۸ چنین سرکشی آشکاری از خود نشان داد، به‌گونه‌ای که خواهر وایت آن را با شورش قورج، داتان و ابیرام مقایسه کرد؟ بی‌تردید پاسخ در شورش سال ۱۸۶۳ نهفته است؛ شورش که راه را برای آنچه به حزقیال گفته شد که مکروهات باز هم عظیم‌تر خواهد بود، هموار ساخت. رد کردن «هفت زمان» در لاویان بیست‌وشش، و وارد کردن جدولی جعلی، ضرورت پشتیبانی از جعل ۱۸۶۳ را پدید می‌آورد. بدین‌سان، میلر می‌دید که جواهراتش پراکنده می‌شوند و زیر آوار و جواهرات و سکه‌های تقلبی پوشانده می‌گردند. این گفته رایج دنیوی می‌گوید: «تاریخ را پیروزمندان می‌نویسند.»

اگرچه در واقع پیروز نبودند، کسانی که رهبری کلیسای ادونتیست لائودیکه را بر عهده دارند، وقت و تلاش بسیاری صرف کرده‌اند تا روایتی تاریخی بسازند که عصیان فزاینده را در طول چهار نسل توجیه کند؛ کوششی برای آنکه آن عصیان را در نوری بنشانند که از تاریخ واقعی ثبت‌شده به‌وسیله فرشتگان آسمانی بسیار دور است. بازنگری تاریخ از ویژگی‌های شاخص یسوعیان کلیسای کاتولیک است، و تحریف تاریخ از حرفه و پیشه همیشگی مورخان ادونتیست لائودیکه بوده است. آنچه این روزها «مورخان» ادونتیست لائودیکه درباره نشست کنفرانس عمومی مینیاپولیس می‌نویسند، نمونه‌ای کلاسیک از تحریف تاریخی است.

ممکن است چند تن از شورشیان آن کنفرانس سرانجام توبه کرده باشند، اما استثنا بر قاعده، قاعده را نفی نمی‌کند. به خواهر وایت امر شد که بماند و آن جلسه را ثبت کند، زیرا شورش قورج، داتان و ابیرام در حال تکرار بود. اینکه مورخان ادونتیست شهادت را بر محور این بنا کنند که آیا پیام عدالت به‌واسطه ایمان فهمیده شد یا فهمیده نشد، رد شد یا رد نشد، یا پس از آن پذیرفته شد، به‌منزله پرهیز از شهادت الهام‌شده درباره شورش است که به‌وسیله قورج، داتان و ابیرام تمثیل یافته بود.

از آن سه شورش، گزارش موسی نشان داد که کدامیک بعداً توبه کرد و دوباره در رهبری همراه با موسی پذیرفته شد؟

«قورج، که روح پیشرو در این جنبش بود، لاوی‌ای از خاندان قهات و پسرعموی موسی بود؛ مردی صاحب توانایی و نفوذ. هرچند به خدمت خیمه اجتماع منصوب شده بود، از جایگاه خود ناراضی شده و در آرزوی شأن کهانت بود. واگذاری منصب کهانت به هارون و خاندان او، که پیش‌تر بر عهده نخست‌زاده هر خانواده بود، موجب برانگیخته شدن حسادت و نارضایتی شده بود، و قورج مدتی به‌طور پنهانی با اقتدار موسی و هارون مخالفت می‌ورزید، هرچند جرأت هیچ اقدام آشکار

شورش آمیزی را نداشت. سرانجام نقشه‌ای جسورانه برای برانداختن هم اقتدار مدنی و هم اقتدار دینی طرح کرد. او در یافتن همدلان ناکام نماند. در نزدیکی خیمه‌های قورح و قهاتیان، در جانب جنوبی خیمه اجتماع، اردوگاه قبیله رئوبین قرار داشت، و خیمه‌های داتان و ابیرام، دو رئیس از این قبیله، نزدیک خیمه قورح بود. این رئیسان به آسانی به نقشه‌های جاه طلبانه او پیوستند. چون از نسل پسر نخست زاده یعقوب بودند، ادعا می‌کردند که اقتدار مدنی از آن ایشان است، و مصمم شدند که افتخارات کهنات را با قورح تقسیم کنند.»

حالت احساسات در میان قوم، مقاصد قورح را مساعدت می‌کرد. در تلخی نومیدی خویش، تردیدها، حسادت، و نفرت پیشین آنان بازگشته بود، و بار دیگر شکایاتشان متوجه آن رهبر بردبارشان شد. اسرائیلیان پیوسته از یاد می‌بردند که تحت هدایت الهی قرار دارند. آنان فراموش کردند که فرشته عهد، رهبر نامرئی ایشان بود؛ و اینکه، در پس حجاب ستون ابر، حضور مسیح پیشاپیش ایشان می‌رفت، و موسی همه رهنمودهای خود را از او دریافت می‌کرد.

«آنها مایل نبودند خود را تسلیم آن حکم هولناک کنند که همگی باید در بیابان بمیرند؛ از این رو آماده بودند هر بهانه‌ای را دستاویز قرار دهند تا باور کنند که این خدا نیست، بلکه موسی است که ایشان را رهبری می‌کند و حکم نابودی‌شان را صادر کرده است. بهترین کوشش‌های حلیم‌ترین مرد روی زمین نیز نتوانست سرکشی این قوم را فرونشاند؛ و با آنکه نشانه‌های ناخشنودی خدا از کجروی پیشینشان هنوز در صفوف شکسته و شمار کاسته شده‌شان پیش روی آنان بود، آن درس را به دل نگرفتند. بار دیگر مغلوب وسوسه شدند.» مشایخ و انبیا، ۳۹۵، ۳۹۶.

ادونتیسیم لائودیکیه در سال ۱۸۵۶ آغاز شد، و در سال ۱۸۶۳ به صورت قانونی به عنوان کلیسای ادونتیست لائودیکیه به ثبت رسید. چنان‌که پیش‌تر در مقالات گذشته بیان شده است، هیچ شهادت الهام‌شده‌ای وجود ندارد که نشان دهد لائودیکیه هرگز نجات می‌یابد. این کلیسا نمی‌تواند نجات یابد مگر آن‌که از وضعیت خود توبه کند و تجربه‌ای را که فیلاذلفیه نمایندگی می‌کند بپذیرد. لائودیکیه قومی است که با بیرون افکنده شدن از دهان خداوند، مورد داوری قرار می‌گیرد. الهام، این کلیسا را به عنوان کلیسای لائودیکیه چنین معرفی می‌کند که مقدر بود در بیابان سرگردان شود، همان‌گونه که اسرائیل باستان سرگردان شد.

کدام یک از یاغیان اسرائیل باستان چهل سال در بیابان سرگردان شدند و سپس به سرزمین موعود داخل گشتند؟ حتی یک تن نیز نه؛ و سرگردانی آنان نمونه‌ای از سرگردانی اسرائیل جدید بود.

شورش قورح، داتان و ابیرام (که نمونه شورش سال ۱۸۸۸ بود)، بر نپذیرفتن داوری‌ای استوار بود که بر قوم واقع شد و آنان را محکوم می‌ساخت تا چهل سال در بیابان سرگردان باشند. شورش ۱۸۸۸ نیز بر رد آن اعلان از سوی رهبری استوار بود؛ اعلانی که ایشان را لائودیکیه معرفی می‌کرد و به سبب نافرمانی‌شان آنان را به سرگردانی سال‌های بسیار دیگر در بیابان وا می‌داشت.

«پیامی که به وسیله آی. تی. جونز و ای. جی. واگنر به ما داده شد، پیام خدا به کلیسای لائودیکیه است، و وای بر هر کسی که ادعا می‌کند به حقیقت ایمان دارد، اما با این حال پرتوهای عطاشده از سوی خدا را به دیگران منعکس نمی‌سازد.» The 1888 Materials, 1053.

مردان کهن، که قرار بود در سال 1888 پاسداران قوم باشند، بر این باور بودند که «دولتمندم و در مال و متاع افزوده شده‌ام». آنچه این وضعیت را پیش از 1888 پدید آورد، در مقاله بعد بررسی خواهیم کرد.

«جانم بسیار اندوهگین می‌شود از دیدن اینکه برخی که نور و حقیقت را دریافت کرده‌اند، چه زود فریب‌های شیطان را می‌پذیرند و مجذوب قدوسیته جعلی می‌شوند. هنگامی که مردم از نشانه‌هایی که خداوند برپا داشته است تا جایگاه خود را، چنان‌که در نبوت ترسیم شده، دریابیم،

روی برمی‌گردانند، به جایی می‌روند که خود نمی‌دانند کجاست.»

«من در این باره تردید دارم که آیا عصیان حقیقی هرگز درمان‌پذیر باشد. در کتاب پدران و انبیا، شورش قورح، داتان و ابیرام را مطالعه کنید. این شورش گسترش یافت و بیش از دو مرد را دربر گرفت. رهبری آن را دویست و پنجاه تن از سران جماعت، مردان نامدار، بر عهده داشتند. عصیان را به نام درست آن بنامید و ارتداد را نیز به نام درست آن، و سپس در نظر آورید که تجربه قوم کهن خدا، با همه ویژگی‌های ناپسندش، به امانت ثبت شد تا در تاریخ باقی بماند. کلام مقدس اعلام می‌کند: «این چیزها ... برای تنبیه ما نوشته شده است، که انتهای عالم‌ها بر ما رسیده است.» و اگر مردان و زنانی که معرفت حقیقت را دارند، تا آن اندازه از رهبر عظیم خود جدا شده باشند که رهبر بزرگ ارتداد را برگیرند و او را مسیح، عدالت ما، بنامند، از آن روست که در معادن حقیقت به عمق فرو نرفته‌اند. آنان قادر نیستند سنگ معدن گران‌بها را از ماده پست بازشناسند.»

«کلام خدا میں جھوٹے نبیوں کے بارے میں جو اس کثرت سے تنبیہیں دی گئی ہیں، انہیں پڑھو؛ وہ اپنی بدعتوں سمیت آئیں گے اور اگر ممکن ہو تو برگزیدوں ہی کو بھی فریب دیں گے۔ ان انتباہات کے ہوتے ہوئے، یہ کیوں ہے کہ کلیسیا جھوٹے اور حقیقی میں امتیاز نہیں کرتی؟ جو لوگ کسی بھی طور پر اس طرح گمراہ کیے گئے ہیں، انہیں چاہیے کہ خدا کے حضور فروتنی اختیار کریں اور خلوص دل سے توبہ کریں، کیونکہ وہ اس قدر آسانی سے بہکا دیے گئے۔ انہوں نے سچے چرواہے کی آواز کو اجنبی کی آواز سے ممیز نہ کیا۔ ایسے سب لوگ اپنے تجربہ کے اس باب کا ازسرنو جائزہ لیں۔»

«برای بیش از نیم قرن، خداوند از طریق شهادت‌های روح خود به قوم خویش نور بخشیده است. آیا پس از گذشت این همه زمان، بر عهده چند مرد و همسرانشان گذاشته شده است که تمام کلیسای ایمانداران را از فریب به درآورند و خانم وایت را شیاد و فریبکار اعلام کنند؟ «از میوه‌های ایشان آنان را خواهید شناخت.»

«آنان که می‌توانند همه شواهدی را که خدا به ایشان عطا کرده است نادیده بگیرند و آن برکت را به لعنت مبدل سازند، باید برای سلامت جان‌های خویش بلرزند. اگر توبه نکنند، چراغدان ایشان از جای خود برداشته خواهد شد. خداوند مورد اهانت قرار گرفته است. پرچم حقیقت پیام‌های فرشته اول، دوم، و سوم رها شده است تا در غبار کشیده شود. اگر دیدبانان واگذاشته شوند تا بدین‌گونه مردم را به گمراهی بکشانند، خدا برخی جان‌ها را به سبب فقدان تشخیص نافذ برای دریافتن اینکه چه‌گونه علوفه‌ای به گله او داده می‌شد، مسئول خواهد شمرد.»

ارتدادها در گذشته رخ داده‌اند، و خداوند اجازه داده است که اموری از این دست پدید آیند تا نشان دهد قوم او تا چه اندازه به آسانی گمراه خواهند شد، هنگامی که به‌جای آنکه همچون بریانیاں شریف خود در کتاب مقدس تفحص کنند تا ببینند آیا این امور چنین است یا نه، بر سخنان انسان‌ها تکیه می‌کنند. و خداوند اجازه داده است که چنین اموری رخ دهد تا هشدار داده شود که این‌گونه امور به وقوع خواهد پیوست.

«سرکشی و ارتداد در همان هوایی است که تنفس می‌کنیم. ما از آن‌ها متأثر خواهیم شد، مگر آنکه به واسطه ایمان، جان‌های درمانده خود را بر مسیح بیاویزیم. اگر انسان‌ها اکنون تا این اندازه به آسانی گمراه می‌شوند، هنگامی که شیطان خود را به جای مسیح مجسم سازد و معجزات به‌جا آورد، چگونه خواهند ایستاد؟ در آن هنگام چه کسی از تحریف‌های او متزلزل نخواهد شد—در حالی که دعوی می‌کند مسیح است، حال آنکه فقط شیطان است که شخصیت مسیح را به خود گرفته و ظاهراً اعمال مسیح را انجام می‌دهد؟ چه چیز قوم خدا را بازخواهد داشت از اینکه وفاداری خود را به مسیحان دروغین بسپارند؟ «از پی ایشان مروید.»

«تعلیمات باید به روشنی فهمیده شوند. مردانی که برای موعظه حقیقت پذیرفته می‌شوند باید استوار و ریشه‌دار باشند؛ آنگاه کشتی ایشان در برابر طوفان و تندباد پایدار خواهد ماند، زیرا لنگر

آنان را محکم نگاه می‌دارد. فریب‌ها فزونی خواهند یافت، و ما باید عصیان را به نام درست آن بخوانیم. ما باید با تمام سلاح خدا ایستادگی کنیم. در این نبرد، ما تنها با انسان‌ها روبه‌رو نیستیم، بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها. کشتی ما با جسم و خون نیست. بگذارید افسسیان 18-6:10 در کلیساهای ما با دقت و تأثیرگذار خوانده شود.» Notebook Leaflets, 57, 58.